

امام خمینی؛ استعارو ضد استعار

۵

مجتبے نامخواہ



- مقوله انتظار در اندیشه امام خمینی (ره) چه جایگاهی دارد؟

مقدمتا باید عرض کنیم که موضوع انتظار فرج به عنوان بخش مهمی از ذخیره معرفتی اسلام و چارچوب کلان آینده‌شناسی در فرهنگ اسلامی، از مبادی مهم مکتب امام خمینی و مورد توجه ایشان است. اما امام (ره) در این توجه، معنای خاصی از انتظار را مورد توجه قرار می‌دهند.

امام خمینی یک تئوری جامع در باب انتظار دارند. در این تئوری بازسازی ادبیات نظری انتظار، جنبه‌های آسیب‌شناختی و نقد باورهای رایج و متداول؛ و هم بازتولید یک درگیری فراگیر معرفتی و عملی با جریان‌های اجتماعی مروج معنای منفی انتظار وجود دارد و از همه مهم‌تر در یک سطح حکمی، ترسیم یک خط و دکترین عینی برای منتظر بودن هست که در سطح عملی هم دلالت عینی‌اش به وجود می‌آید.

در سطح حکمی تئوری انتظار امام (ره) در دو شاخه ی حکمت نظری و عملی قابل بازشناسی است. در حکمت نظری امام خمینی کوشیده‌اند با استفاده از ذخیره معرفتی عرفان اسلامی در وجهی نظامند مفهوم ولایتِ انسان کامل را تشریح کنند؛ اثر ارزشمند «مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه» از این منظر قابل بازخوانی است.

در سطح حکمت عملی هم امام خمینی بر خلاف رویه‌های موجود آن هنگام و البته

اکنون، فراتر از ابعاد فردی و در حوزه «تهذیب اخلاق»، در سطوح اجتماعی حکمت عملی هم «انتظار» را به مثابه یک بنیاد نظری مهم در ساحت دانش اجتماعی و «سیاست مدن» مطرح می کنند.

**- مرزهای درگیری تئوری انتظار
امام خمینی با دیگران در
کجاست؟**

اگر بخواهیم سطح حکمت عملی تئوری انتظار امام خمینی را به صورت جمع بندی و

خلاصه بیان کنیم می توانیم از تعبیر «انتظار از جنس ظهور» استفاده کنیم. «انتظار از جنس ظهور» یعنی برای منتظر بودن باید کاری انجام داد. انتظار یک «عمل» و البته «أفضلُ الأعمال» است.

در این جا یک تمایز مهم امام خمینی با تنزه طلب ها روشن می شود؛ اما مسئله ی مهم این جاست که درگیری تئوری امام خمینی فقط بر سر «عمل / بی عملی» نیست. این مسئله

در تئوری انتظار امام خمینی خیلی پر رنگ است؛ اما تمام «مسئله» نیست.

- در تئوری انتظار امام خمینی (ره) مسئله اصلی کجاست؟

سطح مهم‌ترِ بحث، بحث بر سر چگونگی این عمل است. چه سنخ عملی و با چه جهت‌گیری‌ای؟ تقریباً مشخص است که سنخ عمل مورد نظر امام (ره) یک «کنش اجتماعی» است؛ نه یک رفتار صرفاً قلبی یا درونی.

اما ماجرا به این جا هم ختم نمی شود. مسئله این جاست که امام خمینی میان عمل جمعی و عمل اجتماعی تفاوت قائل می شوند. «عمل جمعی» مثل اینکه برخی به تعبیر امام خمینی «در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان -سلام الله- را از خدا بخواهند»؛ باید دقت داشت این جماعت با «دسته‌ای که می گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت یاید» متفاوت است.

- این درگیری تئوریک همان درگیری ایشان با انجمن حجتیه است؟

مرزهای درگیری تئوری انتظار فقط با حجتیه نیست؛ همچنان که در نظر امام، حجتیه فقط یک تشکیلات هم نیست. درگیری فراتر از این حرف‌هاست. امام (ره) به صراحت از دسته‌ی دیگری نام می‌برند که به نوعی اهل عمل اجتماعی است، به تعبیر امام (ره) بر خلاف «ساده‌لوحان» و «منحرفان» که میان

گناه و ظهور ربط «استی» یا حتی «بایستی» بر
 قرار می کردند؛ این جماعت دیگر «مردم
 صالحی هستند»؛ که امام(ره) در موردشان
 می فرماید «این ها به تکالیف شرعی خودشان
 هم عمل می کردند و نهی از منکر هم
 می کردند و امر به معروف هم می کردند،
 لکن همین، غیر از این کار دیگری ازشان
 نمی آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند
 نبودند.»

دقت کنید درگیری امام بر سر «عمل فردی / جمعی» نیست؛ چرا که ایشان حتی مراسمات و مناسک جمعی و حتی امر به معروف و نهی از منکر را هم کافی نمی‌دانند. در واقع درگیری شان در موضوع انتظار فقط با «ساده‌لوحان» و «منحرفان» نیست؛ با «صالحان» هم هست. درگیری بر سر «عمل جمعی / عمل اجتماعی» است.

امروز تصویر نابی که امام (ره) از انتظار مطرح کردند؛ از طریق همین گروه اخیر

یعنی صالح‌ها در معرض تهدیدها و تحدیدهای خطرناکی است. اینکه تبلیغ می‌شود امر به معروف و نهی از منکرهای متداول و یا مناسک، جشن‌ها و مراسم‌های دعا با حضور جمعیت‌های گسترده یک کنش منتظرانه است، از اعواجاجات فکری همین دسته است.

امام خمینی در آخرین سخنرانی‌هاشان محور مهمی در جبهه‌ای معارضه با تحجر و مقدس‌مآبی می‌گشاید؛ اما متأسفانه امروز در

عرصه‌ی میدانیِ این درگیری معرفتی، تفکر
 عوام‌گرایانه در باب انتظار گام به گام جلو
 آمده و از تریبون‌های رسمی و نیمه رسمی
 هم به شدت ترویج می‌شود.

- فرمودید حجتیه علاوه بر
 تشکیلات یک تفکر هم می‌باشد،
 آیا این فکر می‌تواند به اندیشه و
 رفتار افراد معتقد به انقلاب هم
 وارد شود؟

برخی فکر می‌کنند حجتیه یک حزب سیاسی ضد انقلاب است که فقط کسانی عضو آن هستند که در آن ثبت نام کنند و در جلسات شان شرکت کنند. فکر می‌کنند اگر کسی عاشق امام بود، به انقلاب علاقه داشت؛ دیگر حجتیه ای نیست. اگر صحیفه امام را بخوانید می‌بینید امام در مورد مجتهدان منصوب خودشان در شورای نگهبان، که طبعا در نزدیکی و علاقه‌شان به امام و انقلاب حرفی نیست هم نگرانند. نگرانند که به یک

بار چشم وا نکنند ببیند حجتیه‌ای‌ها همه
چیزشان را برده‌اند.

ما خیال می‌کنیم چون تند حرف می‌زنیم؛
چون پرخاش می‌کنیم، پس انقلابی هستیم.
اما امام (ره) به ما این هشدار جدی را می‌دهند
که زنه‌ار که این رفتارها و پرخاش‌ها نه به
واسطه‌ی انقلابی‌گری، که از روی
«حجتیه‌ای‌شدن» و اخلاق حجتیه‌مآبانه باشد.

- تعریف انتظار در تئوری و مکتب

امام خمینی (ره) که در مقابل

دیدگاههای متعارض دیگر مطرح می شود چیست؟

مکتب امام و انقلاب در برابر برداشت «ساده‌لوحانه و عوامانه»؛ در برابر برداشت «منحرفانه و جاهلانه» و حتی در برابر برداشت صالحانی که به اصلاح دیگری هم می‌پرداختند استدلال دیگری دارد؛ خلاصه‌ی این انتظار «انتظار از جنس ظهور» است. ماهیت ظهور هم یک انقلاب جهانی و عدالت خواهانه است.

«یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت عدلاً و جوراً». گستره همه‌ی سیاره‌ی زمین است؛ یک انقلاب جهانی است و مسئله اصلی هم در آن عدالت است. ما نمی‌گوییم مثلاً «یملأ الأرض دیناً»؛ بعد از فهم دقیق از ظهور نوبت طراحی عمل متناسب با آن است. اگر قرار است امام زمان (عج) «امام» باشد پس «کنش منتظرانه» باید از جنس واقع‌ی ظهور باشد؛ که «انقلاب جهانی برای عدالت» نیست. البته توان ما که انقلاب جهانی و برپایی عدالت

نیست اما هر کس در حد توان خود می تواند
انقلابی، جهان نگر و عدالت خواه باشد.

از منظر امام خمینی چه نسبتی میان ظهور و انقلاب اسلامی وجود دارد؟

امام خمینی انقلاب اسلامی را مقدمه و گامی
مهم در راه ظهور می دانند اما این استدلال و
باور ایشان بر اساس منطقی است که عرض
شد؛ بر اساس ایده ی «انتظار از جنس ظهور»
است نه بر اساس تطبیق های
حجتهای مآبانه ای که فقط به درد ساختن

مستند «ظهور نزدیک است» می خورد. اهالی
 نواخباری گری فکر می کنند هنر کرده اند
 یک روایت هایی پیدا کرده اند و بر «انقلاب
 اسلامی» تطبیق داده اند. فکر می کنند امام بلد
 نبود از این روایت ها برای مردم بخوانند؛ امام
 بلد نبود با خواب ها و تا «فلانی زنده است
 ظهور اتفاق می افتد» و این طور حرف ها
 درباره ی ظهور قصه بسازد و اسمش را
 بگذارد متوجه کردن دل ها و محبت ها به امام
 زمان (عج). غافل از این که این حرف ها یک

فلسفه‌ی روشن و عقلانی و فراگیر و یک
 منطق کنش عملی و اجتماعی به دست
 نمی‌دهد؛ حداکثر به درد برانگیختن
 احساسات و همان «ظهور نزدیک است»
 می‌خورد.

واقعیت تلخ این است که محصول نهایی و
 نظام فکری‌ای که بسیاری از علاقه‌مندان به
 انقلاب درباره انتظار ساخته‌اند، در نهایت به
 درد همان «ظهور نزدیک است» می‌خورد.
 از هزار حرف منتظرانه شان، یک عمل

عدالت خواهانه بر نمی خیزد. اصلاً اگر گاهی
مجموعه صحبت‌هاشان را تحلیل محتوا
کنیم، یک کلمه «عدالت» در آن پیدا
نمی‌شود، اما وجب وجب حرف‌های به
اصطلاح محبت‌آمیز می‌زنند. من اصلاً اشاره
به فرد و یا افراد خاصی ندارم. من با خودم،
با خودمان کار دارم. واقعیت این است که
خیلی از ما قلباً امام و انقلاب را دوست داریم
اما در عمل، مثلاً در انتظارمان کاملاً
حجتیه‌ای عمل می‌کنیم. فرصت نیمه‌ی

شعبان هر سال موقعیت مناسبی است برای
 رصد این مسئله است. چه بسیار جشن‌ها و
 مناسک هزاران هزار نفره‌ای که از اول تا
 آخر منبر و مداحی و تواشیح و شعر و سرود
 و جزوه و نشریه و ایستگاه صلواتی‌اش، حتی
 یک کلمه هم از ماده‌ی «ع د ل» پیدا نمی
 شود. پایگاه بسیج است اما به سبک حجتیه
 مراسم می‌گیرد.

- بین روز میلاد امام زمان (عج) و
 نامگذاری این روز به عنوان روز

جهانی مستضعفین چه تناسبی وجود دارد؟

رهبر انقلاب می‌فرماید «امام حقایق فراموش شده‌ی اسلام را احیا کرد؛ عدالت‌خواهی اسلام را سر دست بلند کرد». یکی از جاهایی که امام خمینی این کار را کردند، عدالت‌خواهی را احیا کردند همین ساحت انتظار است. مسئله‌ی انتظار چیست. امام زمان (عج) به علی بن مهزیار که از دوری و فراق گله می‌کنند، حضرت با صراحت

می فرماید: «نه»؛ این طور نیست که ما از شما دور باشیم، مسئله نظام اجتماعی شماست. «لا؛ و لکنکم کثرتم الأموال و تحیرتم علی ضُعفاء المؤمنین و قطعتم الرّحم الّذی بینکم فای عذر لکم؟» شما روی به تکاثر و سرمایه داری آورده اید، مستضعفان شما حیران و سرگرداند، دیگر چه عذری برای شما باقی می ماند؟ مسئله‌ی مستضعفین در متن و بطن انتظار است. اما برای ما قصه را معکوس روایت می کردند. مثلاً در همین

قصه‌ی دیدار علی بن مهزیار ببینید. ماجرا را طوری روایت می‌کردند که این مفهوم در حاشیه باشد.

امام(ره) به ما یاد داد روز میلاد امام زمان(عج)، «روز جهانی مستضعفین» است. یعنی انتظار را برگرداند به همان معنای اصلی و اصیل خودش. به همان معنای مورد نظر امام زمان(عج). اما متأسفانه بعد آمدند حرف‌هایی زدند که بازی را برگرداندند به

همان جای اول. به اینکه انتظار یک بازی باشد.

واقعا جا دارد از خودمان پرسیم اگر روز جهانی امام زمان(عج) روز جهانی مستضعفین نبود، اگر امام زمان نمی آمدند که یک انقلاب جهانی و عدالت خوانه برپا کنند، اگر امام زمان(عج) با صراحت و اعتراض به علی بن مهزیار آن جمله را نمی فرمودند، در جشن ها و مراسمات و منبرهای ما چه تغییر روی می داند؟ چرا مفهوم انتظار صریحا

مطرح نمی‌شود؟ یا اجازه بدهید بگویم قلب
و تحریف می‌شود.

متأسفانه گاهی احساس می‌شود این انحراف
معرفتی و «کیفی»، پشت انبوهی از کارهای
«کمی»، پشت انبوهی از مراکز و همایش‌ها
و نشریه‌ها و رشته‌ها و کنفرانس‌ها و
پژوهش‌ها مخفی می‌شود. در حالی که
فلسفه‌ی وجود این قبیل پژوهش‌ها قاعدتا
تصحیح این آسیب‌ها است. حالا بحث ما
آسیب‌شناسی این قبیل اقدامات فرهیختگانی
و نخبگانی نیست، این بحث دیگری است و

فعلا بحث ما آسیب‌های مطرح در فرهنگ عمومی است.

- به چه میزان نظریه‌ی انتظار امام خمینی مبنای فرهنگ سازی‌ها در این زمینه قرار گرفته است؟

واقعیت آن است که هشدارهای امام خمینی در مبارزه با تحجر و آسیب جدی «تحجر زدگی» جدی گرفته نشد. هشدار امام خمینی (ره) نسبت به امکان سرایت تحجر از افکار چند لایه‌ی اهل جمود جدی گرفته

نشد. برخی گمان کردند مبارزه با تحجر یک شعار انتخاباتی است؛ آن را در راه رسیدن حزب‌شان به کرسی‌های مجلس «مصرف» کردند! برخی دیگر هم بر خلاف هشدار امام که می‌فرمود پرونده‌ی متحجران باز است، پرونده‌ی بحث از تحجر را بستند و دیگر حرفی از ستیز با تحجر و لایه‌های آن نزدند؛ به دیگران هم توصیه کردند در این باره حرفی نزنید. این است که حتی ادبیات و دغدغه‌های امام در این زمینه بازخوانی نشد

چه رسد به اینکه به عرصه‌ی کتاب و تئوری
و مباحثه و مقاله‌ی جدی راه یابد.

حالا این ماییم و حاصل این وضع کنونی. بعد
برخی می‌گویند یک دفعه فلان جریان
انحرافی شیعه و فلان پروژه‌ی انگلیسی از
کجا پیدا شد؟ بستر ظهور چنین جریان‌هایی
همین پروسه‌های موجود و زیرساخت فکری
متحجرانه است. در این بازی و نمایشی که
در برابری مناسک ما از انتظار اجرا می‌شود،
معلوم است امام خمینی نقش اول و قهرمان

ساحت انتظار نیست. در این گفتمان از انتظار، چهره‌ی اصلی که از آن بحث می‌شود و به آن ارجاع داده می‌شود معلوم است که امام خمینی نیست، بلکه فلان کسی است که در فلان خواب و رؤیا با امام زمان (عج) دیدار کرد.

در حالی که اما این خمینی کبیر بود که ما را از خواب بیدار کرد؛ به ما یاد داد ساحت انتظار عرصه عمل است، نه خواب و رؤیا. به ما یاد داد می‌توان بدون نقل و ادعای حتی

یک خواب و رؤیای تشریف، بزرگترین انقلاب و عمل منتظرانه را داشت.

متأسفانه ما برای خودمان هیچ الزامی نمی‌بینیم نگاه‌مان به انتظار را بر اساس خطوط کلی دیدگاه امام(ره) بازخوانی و بازسازی کنیم، این است که یک بار چشم‌ها می‌کنیم و می‌بینیم کلی کار پُر حجم می‌کنیم، به اسم امام زمان(عج) انجام داده‌ایم؛ اما در چارچوب اسلام حجتیه‌ای. من فکر می‌کنم قضاوت امام زمان(عج) در مورد همه این کارها روشن

است؛ این کارها که از بیست بار پیاده به حج رفتن سخت تر نیست؛ پاسخ حضرت یک کلمه است. حرف بقیه الله الأعظم (روحی فداه) یکی است. یک کلمه‌ی دو حرفی؛ همان «لا»یی که به علی بن مهزیار فرمودند.

اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده
عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد...
مسئله‌ی تحریف شخصیت امام... خطر بزرگی محسوب
می‌شود... آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود،
بازخوانی اصول امام است.

رهبر انقلاب اسلامی

۱۴ خرداد ۱۳۹۴

حفظ امام